

مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی در ایران (۴)  
برنامه‌ریزی توسعه در مالزی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۱.....	مقدمه.....
۳.....	تعریف برنامه‌ریزی در مالزی.....
۵.....	معرفی اجمالی نحوه تهیه برنامه.....
۹.....	فرآیند برنامه‌ریزی توسعه.....
۱۱.....	واحد برنامه‌ریزی اقتصادی و وظایف آن.....
۱۲.....	افق زمانی برنامه‌ریزی در مالزی.....
۱۵.....	چشم‌انداز ۲۰۲۰.....
۱۷.....	معرفی اجمالی نحوه تصویب و نظارت بر برنامه.....
۱۸.....	نحوه تعامل با بخش خصوصی.....
۲۱.....	رویکردهای مورد استفاده در برنامه‌ریزی.....
۲۶.....	محورهای مورد توجه در برنامه‌ریزی.....
۳۰.....	جمع‌بندی.....
۳۲.....	منابع و مآخذ.....



## مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی در ایران (۴) برنامه‌ریزی توسعه در مالزی

### چکیده

موفقیت مالزی در دستیابی به رشد اقتصادی به‌نسبت پایدار و توسعه شتابان مرهون اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای مناسب، مدیریت صحیح اقتصاد، تقویت و ارتقای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، منابع انسانی در حال توسعه و فراهم ساختن زیرساختارهای فیزیکی و نهادی مناسب است. نقش برنامه‌ریزان توسعه نیز در این فرآیند پررنگ بوده است. در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای مالزی سعی شده است منافع تمام ذینفعان لحاظ شود و به این اعتبار از منافع توسعه نیز همه آحاد جامعه منتفع شوند.

### مقدمه

از نظر اقتصادی می‌توان مالزی را یکی از توسعه‌یافته‌ترین کشورهای اسلامی دانست. این کشور با وسعت ۳۲۹۷۵۸ کیلومتر مربع در جنوب شرقی آسیا واقع شده و از نظر منابع طبیعی یک کشور غنی محسوب می‌شود. از منابع مهم این کشور، نفت، گاز طبیعی، روغن نخل و لاستیک طبیعی است. این کشور از نظر صنعتی جزء کشورهای تازه صنعتی شده به حساب می‌آید. با جمعیتی حدود ۲۳/۸ میلیون نفر، نژادها و مذاهب

گوناگونی از قبیل مالایی، چینی، هندی و پاکستانی را شامل می‌شود. فعالیت اکثر مردم آن کشاورزی است. تا سال ۱۹۵۷ مستعمره انگلیس بوده و بیشتر مردم در فقر زندگی می‌کردند. بعد از آن اقتصاد کشور تغییرات ساختاری عمده‌ای را طی پنج دهه تجربه کرده است. این کشور با اجرای چندین برنامه توسعه با هدف ریشه‌کنی فقر، توسعه روستایی و رونق بخش کشاورزی موفقیت چشمگیری داشته است. نرخ فقر از حدود ۵۰ درصد در ابتدای اولین برنامه بلندمدت توسعه در سال ۱۹۷۰ به ۶ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است. از سال ۱۹۹۰ نیز هدف برنامه‌ریزان کشور این بوده است که اقتصاد کشور را در جرگه کشورهای توسعه‌یافته قرار دهند. مالزی علاوه بر بخش کشاورزی در بخش صنعت نیز رشد قابل توجهی داشته است و در حال حاضر با سرعت به سمت صنعتی شدن پیش می‌رود. تولید و توزیع محصولات کشاورزی چرخ اقتصاد مالزی را به حرکت درآورده و تولیدات صنعتی راه را برای پیشرفت باز کرده است. به طوری که از نظر رتبه توسعه، رتبه اول کشورهای اسلامی و رتبه ۱۷ جهان را داراست. این کشور در سال ۲۰۱۰ مقام بیست‌ویکم صادرکنندگان و واردکنندگان جهان را به خود اختصاص داده است. رشد اقتصادی مالزی در طی دو دهه اخیر به طور متوسط ۸ درصد بوده و بعد از کشور چین از این حیث در رتبه دوم قرار گرفته است.

برنامه‌ریزی توسعه از دهه ۱۹۵۰ زمانی که اولین برنامه پنج‌ساله توسعه مالزی مهیا می‌شد به عنوان یکی از وظایف دولت تعیین شد. همچنین در سال ۱۹۶۱ واحد برنامه‌ریزی اقتصادی (EPU)<sup>۱</sup> مالزی در دفتر نخست‌وزیر تشکیل شد تا به عنوان



دبیرخانه‌ای برای تهیه برنامه‌های توسعه میان‌مدت و بلندمدت در کشور خدمت کند و برنامه‌ریزی توسعه با جدیت و نظارت بیشتر و بهتری پیگیری شود. سیستم آماده‌سازی برنامه‌های میان و بلندمدت در قالب برنامه‌های پنج‌ساله باعث حمایت از توسعه ملی مالزی شده است. چنین برنامه‌هایی باعث می‌شود که بخش خصوصی از سیاست‌ها و استراتژی‌های اقتصادی دولت آگاهی پیدا کند و براساس این آگاهی برنامه‌ریزی نماید.

برنامه‌ریزی توسعه در مالزی یک ویژگی قابل توجه دارد و آن اینکه برنامه‌ریزی به‌عنوان حلقه اول چرخه یک پروژه، با نظارت کامل بر روند اجرای پروژه و همچنین ارزیابی برنامه پس از اجرای آن همراه است و این‌گونه است که فرصت اصلاح اشکالات وجود دارد.

### تعریف برنامه‌ریزی در مالزی

برنامه‌ریزی توسعه ملی در مالزی یک تلاش آگاهانه و جامع در طول یک دوره زمانی معین تعریف می‌شود که توسط دولت مرکزی جهت ایجاد و حفظ شرایط لازم برای تسریع رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق واحد برنامه‌ریزی اقتصادی در دفتر نخست‌وزیری صورت می‌پذیرد. این تلاش آگاهانه با اولین برنامه پنج‌ساله توسعه در سال ۱۹۵۵ شروع شد و بعد از آن ۹ برنامه توسعه به اجرا درآمده است که هدف هر یک از آنها متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی در حال تغییر مالزی تعریف شده است. به‌طوری که اهداف توسعه در دهه ۱۹۵۰ بر نوین‌سازی بخش‌های

سنتی تأکید داشت، در دهه ۱۹۶۰ توسعه زیربنایی و تنوع‌بخشی به بخش کشاورزی هدف قرار گرفت؛ در دهه‌های پس از استقلال توسعه شبکه‌های زیربنایی و امور اجتماعی از اهداف مهم توسعه مالزی به‌شمار می‌آمدند. بعد از ناآرامی‌های قومی و نژادی ناشی از عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی به‌تبع اجرای برنامه‌های رشد محور در ۱۹۶۹، برنامه‌های توسعه مالزی بر توزیع برابر و بازتوزیع درآمد و توسعه منابع انسانی و کارآفرینی متمرکز شدند؛ بازسازی جامعه مالزی و ریشه‌کنی فقر بالاخص ریشه‌کنی فقر شدید و کاهش همزمان فقر نسبی هدف برنامه‌های توسعه ملی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بودند؛ در دهه ۱۹۹۰ بر توسعه متوازن و تقویت تولیدات صنعتی و تبدیل بخش خصوصی به موتور رشد و توسعه تأکید شد و از اول قرن بیست‌ویکم بر توسعه کارکردگرا و مؤثر جهت دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز تأکید شد. به‌طور کلی سه عامل مهم در موفقیت مالزی در فرآیند توسعه نقش اساسی دارد:

- برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی عالمانه و منطقی و باثبات،

- دستگاه اداری نوین و حساس به رهبری سیاسی و نیازهای مردمی،

- سیستم برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی.

در فرآیند تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه ملی مالزی واحد

برنامه‌ریزی نقش اساسی ایفا می‌کند لذا در ادامه به معرفی آن پرداخته شده است.



## معرفی اجمالی نحوه تهیه برنامه

در مالزی تصمیم‌گیرنده نهایی در مورد سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، شورای برنامه‌ریزی ملی (NPC)<sup>۱</sup> به‌عنوان بازوی اقتصادی هیئت‌وزیران است. اعضای این شورا را وزرای وزارتخانه‌های اصلی اقتصادی مانند وزارت مالیه، تجارت بین‌الملل و صنایع، بازرگانی داخلی، توسعه کارآفرینی، کالاها و کشاورزی تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، دو شورای دیگر متشکل از وزرا در ساختار دولت مالزی وجود دارد؛ یکی از این شوراها، شورای توسعه ملی (NDC)<sup>۲</sup> است که وظیفه آن بررسی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه است و شورای دیگر شورای امنیت ملی (NSC)<sup>۳</sup> است که با مسائل امنیتی کشور و بلایای طبیعی سروکار دارد. ریاست هر سه شورا برعهده نخست‌وزیر است.

در ساختار برنامه‌ریزی مالزی شورای برنامه‌ریزی ملی ازسوی کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی (NDPC)<sup>۴</sup> حمایت می‌شود. کمیته‌ای متشکل از مقامات ارشد دولتی است که ریاست آن برعهده دبیر ارشد کابینه است. مقامات ارشد تمام وزارتخانه‌های مرتبط با توسعه اقتصادی و همچنین رئیس کل بانک مرکزی مالزی عضو این کمیته هستند. وظیفه این کمیته نظارت بر اجرای پروژه‌ها، مطالعه و بازنگری کلیه برنامه‌های توسعه و ارائه پیشنهاد در مورد تخصیص بودجه برای این پروژه‌هاست.

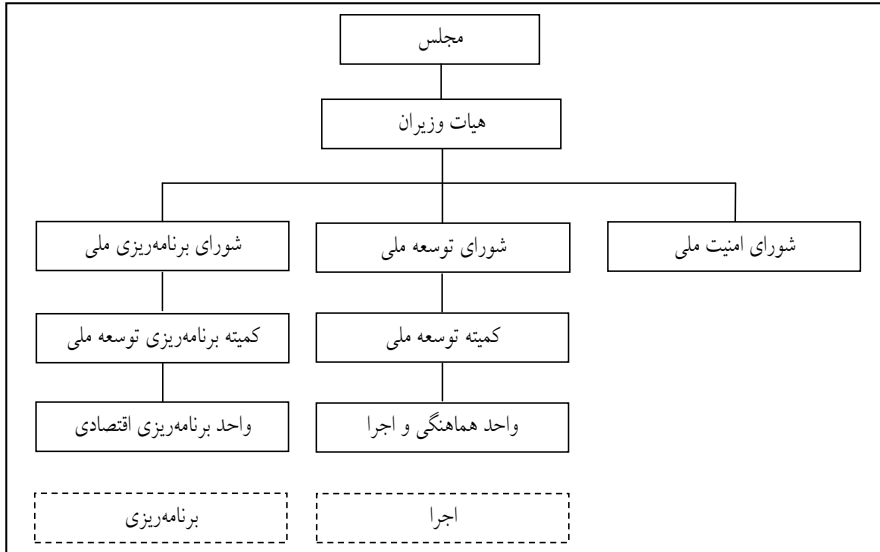
1 . National Planning Council (NPC)

2 . National Development Council (NDC)

3 . National Security Council (NSC)

4 . National Development Planning Committee (NDPC)

نمودار ۱. تشکیلات برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در مالزی



Source: Economic Planning Unit, 2004.

برنامه‌ریزی در سطح فدرال به وسیله واحد برنامه‌ریزی اقتصادی، وزارت مالیه و بانک مرکزی و هسته‌های برنامه‌ریزی سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط تهیه می‌شود. فعالیت‌های EPU توسط دو سازمان مرکزی دیگر زیر نظر نخست‌وزیر به نام‌های واحد اجرایی و هماهنگی (ICU)<sup>۱</sup> و واحد برنامه‌ریزی اداری و نوسازی مالزی (MAMPU)<sup>۲</sup> حمایت می‌شود. قرار گرفتن این سه سازمان زیر نظر نخست‌وزیر کارآیی و اعتبار فعالیت آنها را بیشتر می‌کند. فرآیند برنامه‌ریزی همچنین

1. Implementation and Coordination Unit (ICU)

2. Malaysian Administrative and Modernization Planning Unit (MAMPU)



شامل مشاوره‌های منظم با بخش‌های خصوصی و جامعه مدنی می‌شود. مشاوره‌های نهادینه شده، خط‌مشی‌های مؤثری را برای ارتباط دولت و بخش‌های خصوصی و نهادهای مدنی فراهم می‌سازد. این ارتباطات ضمن اینکه به تسهیل حل مسائل و مشکلات توسعه‌ای کمک می‌کند، بازخوردهای مسائل مختلف از جمله سیاست‌های دولت، بازارهای جهانی، سلامت و شفافیت اقتصاد داخلی و اثر سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی بر بخش‌های مختلف جامعه را در جامعه نشان می‌دهد.

فرآیند تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه در سطح ایالت‌ها شبیه سطح فدرال آن است که در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود. در سطح ایالت‌ها واحد برنامه‌ریزی ایالتی (SEPUS)<sup>۱</sup> و ادارات توسعه ایالتی مسئول تهیه و تدوین راهبردهای توسعه ایالت و هماهنگی و آماده‌سازی برنامه‌های توسعه ایالت و پروژه‌ها هستند. واحد برنامه‌ریزی هر ایالت پس از آماده‌سازی و ارائه استراتژی‌های توسعه، برنامه‌های توسعه ایالت را بعد از تأیید هیئت رئیسه کمیته‌های ایالتی تدوین کرده و به دولت فدرال ارسال می‌کند، البته با آنکه واحدهای برنامه‌ریزی اقتصادی استانی به‌صورت مستقیم در برابر دولت ایالتی مسئول هستند، اما این بخش‌ها همکاری نزدیکی با نهادهای فدرال به‌ویژه EPU دارند.

نمودار ۲. تشکیلات برنامه‌ریزی، اجرا و امنیت در سطح ایالت‌های مالزی



Source: Ibid.

کلیه برنامه‌های ارائه شده پیش از تصویب در دولت و مجلس توسط کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی<sup>۱</sup> بررسی می‌شود. در این میان گروه‌های برنامه‌ریزی میان‌سازمانی<sup>۲</sup> نقش محوری را در فرآیند برنامه‌ریزی دارد که ورودی‌های لازم برای سیاستگذاری در سطح NDPC را تأمین می‌کند. همچنین EPU به‌عنوان دبیر برای NDPC و کمیته‌های زیرمجموعه از جمله کمیته برآورد و کمیته استانداردها و هزینه‌ها انجام وظیفه می‌کند. در حقیقت دولت براساس پیشنهادات و توصیه‌های NDPC هزینه‌ها و بودجه هریک از بخش‌ها را تعیین می‌کند.

1. NDPC

2. Inter-Agency Planning Group (IAPG)

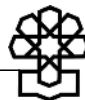


## فرآیند برنامه‌ریزی توسعه

برنامه‌ریزی توسعه در مالزی یک فرآیند دوطرفه بین EPU از یکسو و نهادها و وزارتخانه‌ها ازسوی دیگر است. این ارتباط دوطرفه باعث می‌شود که کلیه زیرمجموعه‌ها حتی در سطح ایالت نیز از استراتژی‌ها و سیاست‌های ملی مطلع شوند و خود را در آن شریک بدانند. در سطح فدرال EPU پس از مشاوره با نهادهای مرکزی از جمله خزانه و بانک مرکزی، عملکرد قبلی اقتصاد کشور و همچنین محدودیت‌ها، پتانسیل‌ها و مشکلات را بررسی کرده و سپس چارچوب اقتصاد کلان و اهداف رشد و حجم کمک و مشارکت مورد نیاز ازسوی بخش خصوصی را ارائه می‌کند. این مشاوره‌ها از طریق IAPG و گروه‌های کاری (TWG) آنها صورت می‌گیرد.

برنامه‌ریزی از بالا به پایین در قالب IAPGها صورت می‌گیرد. در این فرآیند، EPU دبیر هریک از IAPGهاست. در جریان این مشاوره‌ها، فاکتورهایی چون شرایط اقتصاد جهانی، منابع موجود و محدودیت‌های داخلی و خارجی در نظر گرفته می‌شود. پس از آن به‌صورت همزمان بخشنامه‌ای برای کلیه سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها، دولت‌های ایالتی ارسال می‌شود که در این بخشنامه زمانی که آنان باید برنامه‌ها و پروژه‌های خود را ارائه دهند مشخص می‌شود. همچنین از نهادها خواسته می‌شود که استراتژی‌های خود را مورد بازنگری قرار داده و این استراتژی‌ها را به برنامه‌ها و پروژه‌های اجرایی تبدیل کنند و از همه مهمتر به‌صورت همزمان بودجه مورد نیاز برای اجرای این برنامه‌ها را برآورد و اعلام کنند. اما در برنامه‌ریزی از پایین به بالا، نهادها و دولت‌های ایالتی، برنامه‌های کلان هر بخش را به





## واحد برنامه‌ریزی اقتصادی و وظایف آن

این واحد به‌عنوان دبیرخانه تهیه برنامه‌های توسعه در دفتر نخست‌وزیری تأسیس شده است که وظایف زیر را برعهده دارد:

- تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی،

- تهیه برنامه بلندمدت و میان‌مدت،

- تهیه و ارزیابی بودجه توسعه و خزانه که مسئول پرداخت سالیانه آن است،

- نظارت و ارزیابی پروژه‌ها و برنامه‌های اجرایی توسعه،

- ارائه مشاوره به دولت در موضوعات روز اقتصادی،

- انجام مطالعات و تحقیقات در زمینه اقتصادی و اجتماعی جهت ارائه مشاوره به دولت،

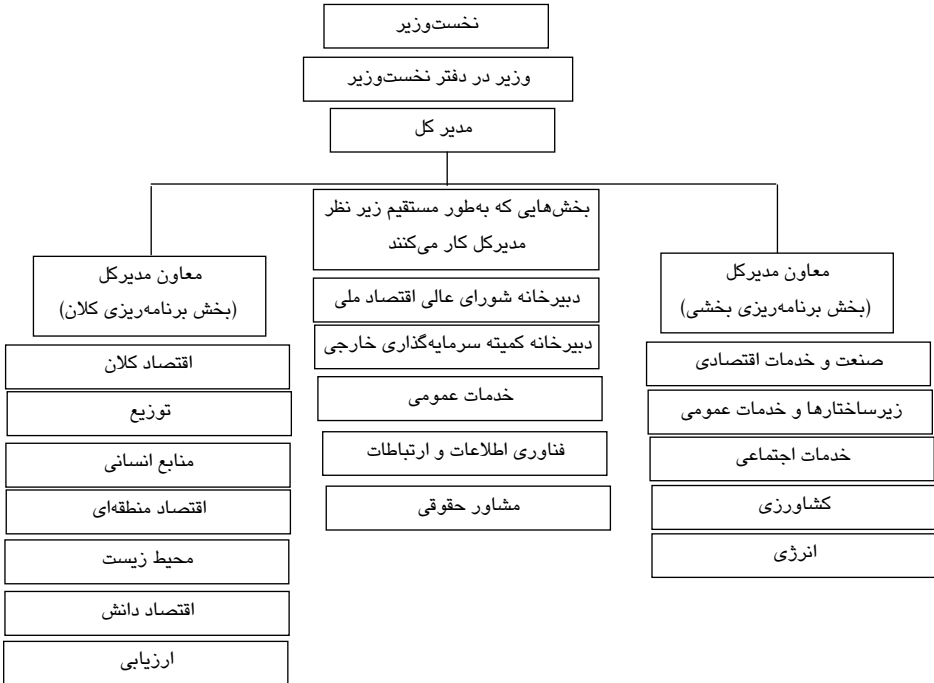
- طراحی و هماهنگ‌سازی برنامه‌های خصوصی‌سازی.

واحد برنامه‌ریزی اقتصادی تحت نظارت مدیرکل قرار دارد که به نخست‌وزیر و

وزیر در دفتر نخست‌وزیری گزارش می‌دهد. این واحد دارای دو معاونت برنامه‌ریزی

کلان و برنامه‌ریزی بخشی است که ساختار سازمانی آن در نمودار ۴ ارائه شده است.

### نمودار ۴. ساختار سازمانی واحد برنامه‌ریزی کشور مالزی



Source: Ibid.

### افق زمانی برنامه‌ریزی در مالزی

در مالزی از چهار ابزار برنامه‌ریزی استفاده می‌شود که هر یک دارای افق متفاوتی هستند. این چهار ابزار عبارتند از: برنامه چشم‌انداز، برنامه پنج‌ساله توسعه، ارزیابی نیمه اول برنامه پنج‌ساله و بودجه سالیانه؛ که تمام این ابزارها در قالب برنامه چشم‌انداز ۲۰۲۰ هدایت می‌شوند.<sup>۱</sup>

1. EPU, 2004.



در چشم‌انداز ۲۰۲۰ اشاره شده که مالزی باید در انتهای این دوره به یک کشور توسعه‌یافته تبدیل شود. این برنامه به پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه شتاب بخشیده و برای دستیابی به اهداف تعیین شده یک نگاه جدید در برنامه‌ریزی را می‌طلبد. برنامه چشم‌انداز، استراتژی‌های توسعه برای کشور را در بلندمدت تعیین کرده و قالب و چارچوب اقتصاد کلان و اهداف بلندمدت را ارائه می‌کند. چارچوب اقتصاد کلان نیز با سیاست‌ها و استراتژی‌های بخش‌های مختلف همراه است که به توسعه بخش‌های اقتصادی و اجتماعی از جمله زیرساخت‌ها، صنعت، خدمات عمومی، انرژی و کشاورزی جهت می‌دهد.

برنامه چشم‌انداز اول یک برنامه بیست‌ساله بود که سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ را دربرمی‌گرفت، اما به اعتبار تغییرات و ناطمینانی‌های فراگیر جهانی در افق‌های بلندمدت‌تر و عدم توان پیش‌بینی و کنترل روندهای آتی تحولات اقتصادی و اجتماعی در این بستر، برنامه دوم چشم‌انداز ده‌ساله تعریف شد که سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ را دربرداشت.

برنامه‌های میان مدت پنج‌ساله نیز براساس چارچوب برنامه چشم‌انداز تعیین می‌شود. برنامه‌های پنج‌ساله در حقیقت، برنامه کاری مکتوب برای اجرای برنامه‌های توسعه مورد نظر دولت است. برنامه‌های پنج‌ساله اهداف رشد اقتصاد کلان و سهم برنامه‌های توسعه بخش عمومی از بودجه را تعیین می‌کند. همچنین در این برنامه‌ها، نقش بخش خصوصی تعیین شده و به بخش‌هایی که در آستانه خصوصی‌سازی قرار دارند راهکارهایی مناسب ارائه می‌شود. بخش خصوصی نیز با استفاده از این راهکارها، سیاست‌های سرمایه‌گذاری خود را اتخاذ می‌نماید.

یکی دیگر از ابزارهای برنامه‌ریزی در مالزی، بررسی نیمه اول برنامه‌های پنج‌ساله

(MTR) است. با این بررسی می‌توان متوجه شد که آیا برنامه پنج‌ساله مطابق با اهداف دولت بوده و پیشرفت زمانی‌اش مطابق با پیش‌بینی است یا خیر. در صورتی‌که پاسخ منفی باشد آنگاه باید به ترمیم استراتژی‌ها پرداخت و روند را اندکی تغییر داد.

آخرین و کوتاه‌ترین افق زمانی در برنامه‌ریزی، بودجه‌های سنواتی است. بودجه‌نویسی توسط وزارت دارایی صورت می‌گیرد. این وزارتخانه علاوه‌بر در نظر گرفتن نظرات بخش خصوصی از طریق IAPG‌ها با نهادهای مرکزی نیز مشورت می‌کند، البته EPU نیز در نظام بودجه‌نویسی برای توسعه کشور نقش ایفا می‌کند.

از آنجایی که برنامه‌ریزی برای کوتاه، میان و بلندمدت صورت می‌گیرد، فرصت لازم و کافی برای اصلاح و بازنگری وجود دارد و می‌توان با اقدامات انجام شده مشکلات به‌وجود آمده را از میان برد. این موضوع باعث به‌وجود آمدن انعطاف‌پذیری قابل توجهی در برنامه‌ریزی‌ها شده است. وضعیت اقتصادی کشور همواره تحت نظارت EPU قرار دارد و اعضای آن به‌صورت مداوم با مسئولان خزانه، بانک مرکزی و سایر وزرای اقتصادی و حتی نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی، بانک جهانی و بانک توسعه آسیا جلسه تشکیل می‌دهند. واحد برنامه‌ریزی اقتصادی وظیفه دارد که اختلاف میان اهداف از پیش تعیین شده و وضعیت تحقق‌یافته آنها را در حین بروز کسری بودجه و تورم در نظر بگیرد و در زمان بررسی نیمه اول برنامه‌های پنج‌ساله به اصلاح ساختار قبلی بپردازد. در صورتی‌که نیاز به اقدام فوری‌تر باشد آنگاه باید این موضوع به‌صورت کتبی به اطلاع کمیته برنامه‌ریزی توسعه ملی و دولت رسانده شود.



## چشم‌انداز ۲۰۲۰

از فوریه سال ۱۹۹۱ توسعه کشور مالزی بر پایه دیدگاهی هدایت می‌شود که از سوی نخست‌وزیر چشم‌انداز ۲۰۲۰ نامیده شده است.<sup>۱</sup>

مهاتیر محمد طی سخنان مفصلی به ترسیم چشم‌انداز ۲۰۲۰ و ۹ چالش اساسی و تبیین راهکارهای کشور در ۳۰ سال آینده مالزی پرداخت. ۹ هدف مهم و استراتژیک کشور در چشم‌انداز ۲۰۲۰ به شرح ذیل تعریف و مشخص شده است.

ایجاد ملت واحد مالزی با یک سرنوشت واحد و مشترک؛ ملتی که همه اقشارش در صلح و وحدت سرزمینی و نژادی به‌سر برده و زندگی ایشان با هارمونی و همدلی و مشارکت کامل و عادلانه است.

ایجاد جامعه‌ای که از جهت روانشناختی آزاد، امن و توسعه‌یافته با اتکال به ایمان و اعتماد به نفس خود و مفتخر به آنچه هست و آنچه به‌دست خواهد آورد و باید از همه توانایی‌هایش آگاه باشد و تسلیم هیچ‌کس نشود و مورد احترام همه مردم سایر ملل قرار گیرد.

تحکیم و توسعه یک جامعه بالغ دمکراتیک و اجرای شکلی بالغ از دمکراسی مالزیایی که متکی بر اجماع و اجتماع است تا الگوی بسیاری از کشورهای درحال توسعه شود.

ایجاد جامعه‌ای کاملاً اخلاقی و مؤدب که شهروندان از جهت ارزش‌های مذهبی و معنوی قدرتمند و مالمال از بالاترین استانداردهای اخلاقی هستند.

۱. محمدعلی حسین‌زاده یزدی، تحول و توسعه در مالزی.

ایجاد جامعه‌ای بالغ، لیبرال و با تسامح که در آن همه مالزیایی‌ها با هر رنگ و کردار آزادند تا اعتقادات مذهبی، فرهنگی و آداب و رسوم خود را اجرا و ابراز کنند و در عین حال این احساس در ایشان زنده است و متعلق به یک ملت هستند.

ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و علمی که با نگاه به پیش و ابتکار همراه است و نه تنها مصرف‌کننده فناوری، بلکه کمک‌کننده به تمدن علمی و فناوری آینده نیز هست.

ایجاد جامعه‌ای کاملاً آگاه و حافظ فرهنگ و یک سیستم اجتماعی که در آن جامعه قبل از فرد مطرح است و رفاه مردم نه حول دولت و فرد که حول یک سیستم خانوادگی قوی و انعطاف‌پذیر می‌چرخد.

اطمینان‌بخشی جهت ایجاد جامعه‌ای عادل از بعد اقتصادی، که در این جامعه توزیع ثروت عادلانه و معقول و مشارکت کامل در رشد اقتصادی وجود دارد و دیگر نژاد و کارکرد اقتصادی و یا عقب‌ماندگی اقتصادی به دلیل نژاد جایی نخواهد داشت.

ایجاد جامعه‌ای سعادتمند با اقتصادی رقابتی، پویا، قوی و انعطاف‌پذیر.

این دورنما به‌طور کلی با عبارات ذیل بیان می‌شود:

«در سال ۲۰۲۰ میلادی مالزی می‌تواند ملتی متحد و دارای جامعه‌ای مطمئن و برانگیخته با ارزش‌های والای اخلاقی و اصول رفتاری مطلوب، مشغول زندگی در جامعه‌ای دمکراتیک، آزاد، متعادل از بُعد اقتصادی، موفق و درحال پیشرفت و با اقتصادی رقابتی، پویا، قوی و درحال رشد باشد».

در این کشور تفکر توسعه اقتصادی همراه با توسعه عدالت اجتماعی، ثبات سیاسی، سیستم حکومتی، سطح زندگی، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، اعتماد و غرور ملی

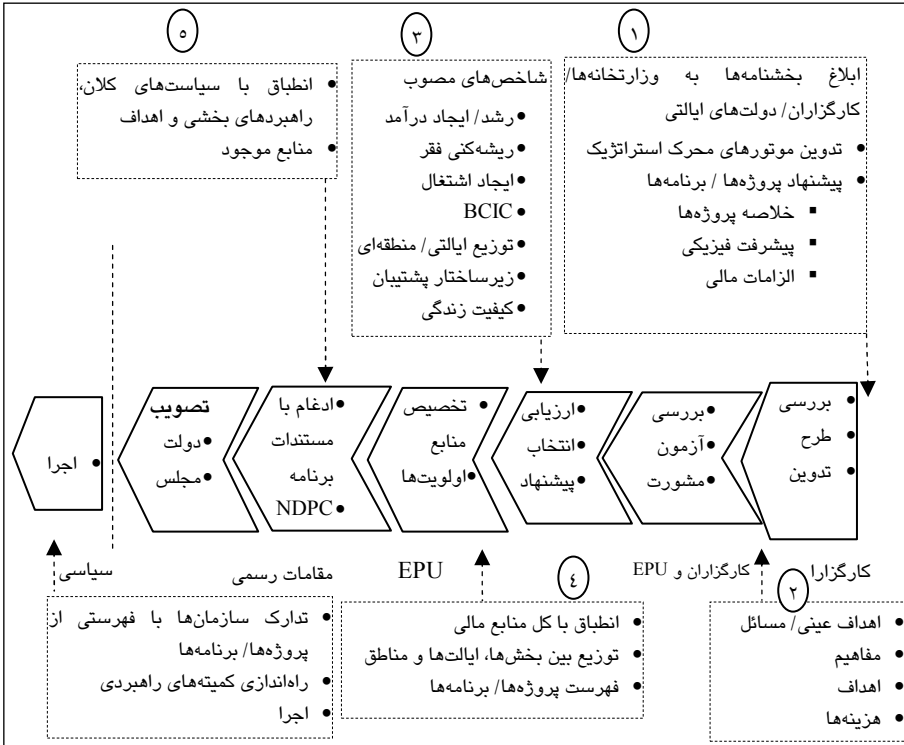


به‌عنوان جنبه‌های غیراقتصادی توسعه و عوامل مؤثر بر یکپارچگی سیستم مدیریت کشور و نیاز اساسی تداوم رشد اقتصادی، دست به‌دست هم می‌دهند. در این چارچوب هریک از سازمان‌ها چشم‌انداز و مأموریت خود را تعریف و تدوین کرده است.

### معرفی اجمالی نحوه تصویب و نظارت بر برنامه

اولین گام در فرآیند بررسی، تصویب و اجرای پروژه‌ها ابلاغ بخشنامه به وزارتخانه‌ها، ادارات، مقامات قانونی، دولت‌های ایالتی و مؤسسات عمومی غیرمالی جهت دریافت اولویت‌ها و پیشنهادات آنهاست. به محض دریافت پیشنهادات، EPU به بررسی و اولویت‌بندی پروژه‌های توسعه می‌پردازد و با نهادها و وزارتخانه‌ها و دولت‌های ایالتی مشورت کرده و با ارزیابی برنامه‌های پیشنهادی هزینه‌ها را برآورد می‌کند. با توجه به اینکه اغلب موارد پروژه‌های پیشنهادی بیشتر از منابع موجود هستند، EPU با توجه به منابع مالی و اهداف توسعه آنها را اولویت‌بندی می‌کند. پس از اولویت‌بندی و تصویب پروژه‌ها، دولت مالزی به‌منظور تضمین اجرا به نظارت بر اجرای آنها می‌پردازد. دولت قادر و موظف به تعیین و جبران هر نوع شکست یا تأخیر در اجرای پروژه‌هاست. در تعهد اجرای پروژه‌ها، تمامی نهادهای دولتی باید به رهنمود نخست‌وزیر برای تضمین اجرا، وفادار باشند. در راستای تدوین برنامه بلندمدت، شورای مشورتی اقتصاد ملی که از تمامی بخش‌های جامعه، دولت، دانشگاهیان، واحدهای صنعتی و تجاری، سیاسی و مذهبی و... قرار دارد تشکیل شده است. فرآیند تصویب پروژه‌ها برای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مالزی در نمودار ۵ گزارش شده است.

نمودار ۵. فرآیند تصویب پروژه‌ها برای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مالزی - مکانیسم عملیاتی کردن



Source: Ibid.

### نحوه تعامل با بخش خصوصی

خصوصی‌سازی به‌عنوان موتور محرکه و اولیه رشد اقتصادی مالزی عنوان شده است. اولین گام برنامه خصوصی‌سازی این کشور از سال ۱۹۸۳ با تدوین برنامه کلان و برنامه اقدام خصوصی‌سازی آغاز شده است. در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰



بخش دولتی به ترتیب ۴۱ و ۳۴/۵ درصد از تولید ناخالص ملی را شامل می‌شد. دولت در اوایل دهه ۱۹۸۰ شرکت‌های دولتی را به منظور ایجاد صنایع سنگین تأسیس کرد ولی با بحران ۱۹۸۵ و کارکرد ضعیف این شرکت‌ها و سود کم و هزینه‌های بالا و قروض آنها، دولتمردان به سوی خصوصی‌سازی سوق یافتند و سطح دخالت دولت را در حد ایجاد فضای مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی محدود کردند. در این ارتباط دولت با تأکید بر نقش خود به عنوان واضع قانون و مقررات، به افزایش مهارت‌های مدیریتی و شرکتی، تصویب سیاست‌های بازار سرمایه و مالی در جهت خصوصی‌سازی پرداخت.

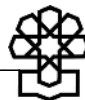
اهداف عمده خصوصی‌سازی در مالزی شامل؛ کاهش تصدیگری دولت در امور اقتصادی، افزایش رقابت و بهره‌وری، ارتقای کارآیی، کاهش فشارهای مالی دولت، تسریع رشد اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی ذکر شده است. دولت مالزی برای سرمایه‌گذاری که در پروژه‌های زیربنایی نظیر؛ حمل‌ونقل، مخابرات، فرودگاه‌ها، نیروگاه‌ها، جاده‌ها، بزرگراه‌ها، بندرگاه‌ها و به‌طور کلی طرح‌هایی که موجب ارتقای کیفیت خدمات مردم شود سرمایه‌گذاری کنند، تسهیلات ویژه‌ای اعطا می‌کند. علاوه بر این دولت مالزی به‌منظور افزایش همکاری بخش خصوصی در برنامه خصوصی‌سازی در آن کشور مشوق‌های متعددی را منظور کرده است. حذف محدودیت استخدام کارگران خارجی، تضمین مالکیت شرکت‌های ویژه، صدور مجوز استقرار از منابع مالی خارجی برای احداث زیرساخت‌ها، بخشودگی مالیاتی به مدت یک سال و بیشتر، حذف عوارض گمرکی برای واردات تجهیزات، تضمین عدم

سانسور اینترنت، تضمین حفاظت از دارایی‌های فکری و شبکه‌های الکترونیکی از جمله مشوق‌های دولت مالزی به‌شمار می‌رود. دولت مالزی قبل از واگذاری هر بنگاه یا طرح اقتصادی به بخش خصوصی وضعیت بنگاه و توانمندی خریدار را از طریق مشاوران مجرب مستقل ارزیابی می‌نماید. در صورت اثبات توان خریدار واگذاری انجام می‌شود. بنگاه واگذار شده پس از واگذاری به‌حال خود رها نمی‌شود، بلکه به‌منظور اطمینان از اینکه واحد خصوصی شده خدمات مورد نیاز مصرف‌کنندگان را به نحوه مطلوب تأمین کند و فعالیت آن تداوم یابد دولت بر عملکرد بخش خصوصی نظارت می‌کند.

مراحل و روند اجرایی خصوصی‌سازی در مالزی به‌شرح زیر است:

واحد دولتی اعم از اینکه یک شرکت دولتی صرف و یا با حسابرسی مستقل باشد، به شکل یک واحد تجاری درمی‌آید که اصطلاحاً «تجاری‌سازی»<sup>۱</sup> می‌گویند. تبدیل واحد دولتی به شرکت با جایگزینی مدیریت اداری به مدیریت بازرگانی و جایگزینی تصمیمات اداری به تصمیمات اقتصادی - بازاری و تشکیل یک برنامه مالی و حسابداری بازرگانی.

انتقال مالکیت شرکت از بخش دولتی به بازرگانی که عمدتاً با فروش مستقیم به عموم یا از طریق فروش سهام است.

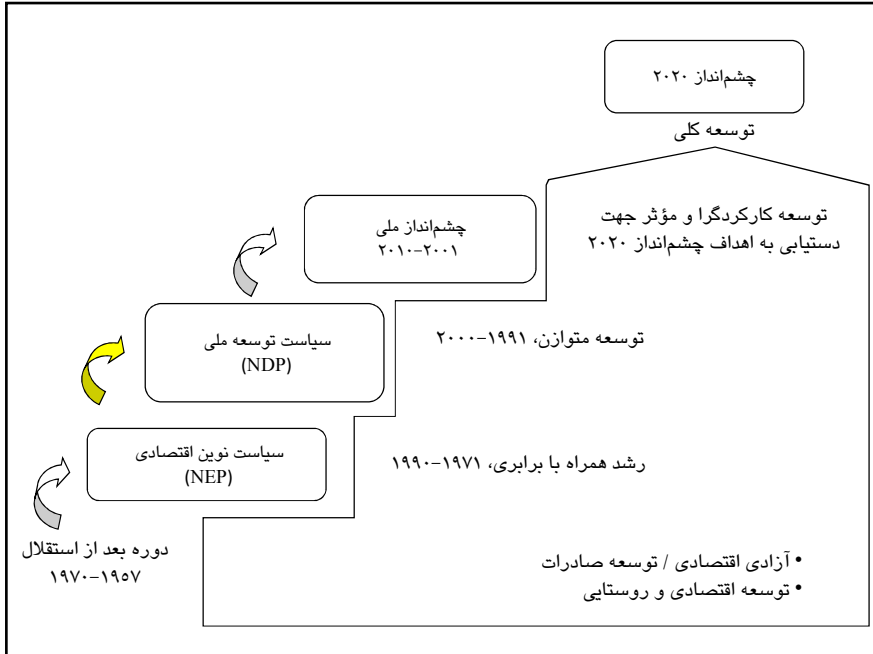


## رویکردهای مورد استفاده در برنامه‌ریزی

دولت مالزی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و سیاستگذاری‌های توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی ارشادی را در پیش گرفته و همزمان با آن در جهت تشویق سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی از راهبردهای بازار هم استفاده می‌کند. از دید سیاستگذاران توسعه مالزی تعامل و همکاری عالمانه میان دولت و بخش خصوصی ضرورت انکارناپذیر توسعه است. به‌طور کلی فرآیند تکاملی سیاست‌های توسعه مالزی را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد: دوران بعد از استقلال و پیش از سیاست‌های نوین اقتصادی (NEP)<sup>۱</sup> (۱۹۵۷-۱۹۷۰)، دوران NEP (۱۹۷۱-۱۹۹۰)، دوره اولین برنامه بلندمدت، دوران سیاست‌های توسعه ملی (NDP)<sup>۲</sup> (۱۹۹۱-۲۰۰۰)، دوره دومین برنامه بلندمدت و دوران سیاست‌های چشم‌انداز ملی (NVP)<sup>۳</sup> (۲۰۰۱-۲۰۱۰)، دوره سومین برنامه بلندمدت. این فرآیند در نمودار ۶ ملاحظه می‌شود. لازم به ذکر است که دولت مالزی از سال ۱۹۹۱ و همزمان با دومین برنامه بلندمدت به طراحی و تدوین چشم‌انداز سی‌ساله خود (۱۹۹۱-۲۰۲۰) اقدام کرده است.

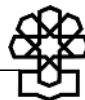
- 
1. New Economic Policy (NDP)
  2. National Development Policy (NVP)
  3. National Vision Policy

## نمودار ۶. سیاست‌های عمده اقتصادی مالزی از دوران بعد از استقلال



Source: Ibid.

در دوره قبل از NEP تأکید بر توسعه اقتصادی و روستایی و عدم دخالت دولت در اقتصاد و توسعه با محوریت رشد صادرات بود. در این دوره تلاش شد تا زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی لازم برای توسعه فراهم شود. همچنین سیاست‌ها در جهت افزایش تولید هدایت شد و علاوه بر آن اقدامات اندکی نیز در جهت تشویق فعالیت‌های صنعتی برای تولید کالاهای سبک برای کاهش واردات و اشتغالزایی صورت گرفت. هرچند در طول این دوره اقتصاد مالزی رشد قابل ملاحظه‌ای را



تجربه کرد (میانگین رشد سالیانه ۶ درصدی) ولی استراتژی‌های توسعه از جنبه‌های توزیعی غفلت کردند که این امر به عدم تعادل‌های اقتصادی - اجتماعی در میان گروه‌های مختلف نژادی و متعاقب آن شورش‌های قومی در سال ۱۹۶۹ منجر شد.<sup>۱</sup> به‌دنبال به‌وجود آمدن عدم تعادل‌ها و نابرابری‌های قومی و شورش‌های متعاقب آن، در سال ۱۹۷۰ سیاست‌های نوین اقتصادی (NEP) در قالب اولین برنامه بلندمدت شکل گرفت. این سیاست‌ها دو هدف عمده را دنبال می‌کردند:

الف) ریشه‌کنی فقر در میان تمام مردم مالزی فارغ از نژاد، از طریق افزایش سطح درآمدها و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی،

ب) بازسازی جامعه مالزی در جهت اصلاح عدم تعادل‌های اقتصادی از بُعد ثروت، آموزش و اشتغال و فرصت‌های کسب‌وکار در میان نژادهای مختلف.<sup>۲</sup> در این دوره شعار اصلی استراتژی توسعه رشد همراه با برابری اعلام شد و همچنین مقرر شده بود که منافع حاصل از توسعه تنها به قوم و یا نژاد خاصی تعلق نگیرد، بلکه به‌صورت عادلانه در میان تمام اقوام کشور تقسیم شود. برای دستیابی به اهداف NEP انتظار می‌رفت که بخش دولتی نقش محوری و فعال در اقتصاد ایفا کند درحالی که بخش خصوصی تشویق شد تا به‌عنوان موتور رشد ایفای نقش نماید. همچنین قرار بر این شد که تغییرات ساختاری در اقتصاد به‌وجود آید تا اینکه در برابر نوسانات خارجی کمتر آسیب‌پذیر باشد.

در سال ۱۹۹۱ دومین برنامه بلندمدت مالزی در قالب سیاست توسعه ملی (NDP)

---

1. Aslam and Golam Hassan, 2003.

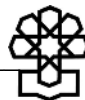
2. **Ibid.**

با هدف دستیابی به توسعه متوازن ارائه شد تا جایگزین NEP شود. قرار بر این بود که NDP در یک دهه (۱۹۹۱-۲۰۰۰) اجرا شود. در این دوره همچنان سیاست‌های بنیادین NEP مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ چراکه این سیاست‌ها باعث کاهش فقر، توزیع برابر ثروت در کشور و بازسازی ساختار اقتصادی کشور شده بود. سیاست‌های توسعه ملی نه تنها به عنوان جایگزین سیاست‌های نوین اقتصادی، بلکه برای تعیین مرحله اولین دهه چشم‌انداز (۲۰۲۰) معرفی شد که هدف اصلی آن اصلاح عدم توازن اقتصادی و اجتماعی و ایجاد زیرساخت‌ها برای رسیدن به افق سال ۲۰۲۰ بود.

در دوره سیاست‌های توسعه ملی تأکید استراتژی توسعه از سیاست‌های ضد فقر به ریشه‌کنی فقر شدید همراه با کاهش فقر نسبی از طریق تأکید بر ایجاد اشتغال، اتکای بیشتر بر ورود بخش خصوصی در بازسازی اقتصاد و جامعه با ایجاد فرصت‌های بیشتر برای رشد آن، تأکید بر منابع انسانی به عنوان الزامات بنیادی دستیابی به هدف رشد همراه با توزیع تغییر یافت.

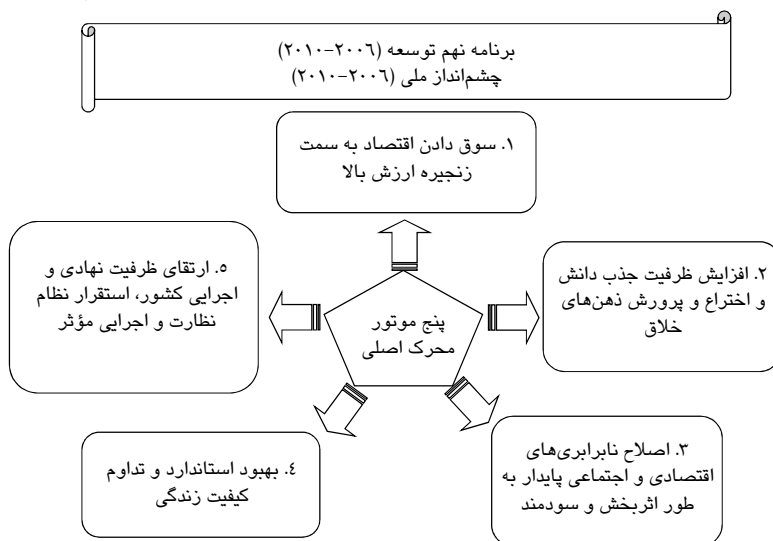
در سال ۲۰۰۱ سیاست‌های چشم‌انداز ملی به عنوان سومین برنامه بلندمدت تهیه و ارائه شد. این سیاست‌ها ضمن اینکه راهبردهای بنیادی سیاست‌های نوین اقتصادی و توسعه ملی از جمله ریشه‌کنی فقر فارغ از نژاد و قومیت، بازسازی جامعه مالزی و توسعه متوازن را دربر می‌گیرد، بلکه نیروهای محرکه سیاستی جدیدی را نیز جهت تسریع فرآیند توسعه معرفی می‌کند.

مسیر حرکت به سمت چشم‌انداز ملی با چالش‌ها و مشکلات خاص این نوع اسناد از جمله چشم‌اندازهای اقتصادی و اجتماعی در حال تحول عمومی و منطقه‌ای روبرو



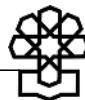
خواهد بود. در طول سال‌های چشم‌انداز تدارک دیده شده، مقامات و برنامه‌ریزان باید در راستای رفع این مشکلات تلاش نمایند. جهت دستیابی به اهداف کلان و اجرایی چشم‌انداز فوق و عملکرد بهتر و تأثیرگذاری حداکثری آن، در سند چشم‌انداز مالزی پنج نیروی محرکه قوی در قالب نمودار ۷ معرفی شده است:<sup>۱</sup>

### نمودار ۷. محرکه‌های اصلی جهت دستیابی به اهداف کلان و اجرایی چشم‌انداز ۲۰۲۰



### محورهای مورد توجه در برنامه‌ریزی

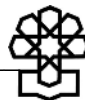
- جهت موفقیت در بازارهای درحال رقابت فزاینده جهانی مالزی از مراحل میانی توسعه گذر کرده و به سمت توسعه سرمایه انسانی از طرق راهکارهای زیر گام برمی‌دارد:
- افزایش بهره‌وری، رقابت‌پذیری و ارزش‌افزوده در فعالیت‌های بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات،
  - ایجاد منابع جدید ثروت در بخش‌های فناوری و دانش‌محور مانند، ITC، بیوتکنولوژی و خدمات مهارتی،
  - ارتقای توان اشتغال‌زایی و فرصت‌های شغلی به‌خصوص در فعالیت‌های با دانش و تکنولوژی بالاتر،
  - اعطای نقش پیش رو به بخش خصوصی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های این بخش از طریق بهبود فضای کسب‌وکار، تقویت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مقیاس، افزایش همکاری‌های بخش‌های دولتی و خصوصی و دستیابی به سطوح بالای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی،
  - ارتقای فرهنگ کارآیی بالا و مزیت در بخش‌های دولتی و خصوصی و شرکت‌های وابسته به دولت،
  - توسعه بازار محصولات و خدمات ساخت مالزی،
  - افزایش ظرفیت جذب دانش و اختراع و پرورش ذهن‌های خلاق.
- دانش، نوآوری و ارزش‌ها مهمترین معیارهای موفقیت آتی اقتصاد دانش‌بنیان مالزی در سطح اقتصاد بین‌الملل است. کشور مالزی باید ظرفیت مردم خود را در این



زمینه از طرق زیر افزایش دهد:

- ارتقای نظام اسلامی به‌عنوان چارچوب توسعه جامع و عمومی برای کشور،
  - بهبود فراگیر نظام آموزشی از پیش‌دبستانی تا سطوح عالی، از ابعاد برنامه‌های درسی و تدریس تا امکانات مدرسه و با تأکید ویژه بر افزایش استانداردهای مدارس در مناطق روستایی،
  - تقویت مدارس ملی و عمومی جهت تبدیل شدن به مدارس انتخابی مردم،
  - ایجاد دانشگاه‌های با جایگاه بین‌المللی و تضمین اینکه مؤسسات عالی نیازهای مهارتی شاغلین را برآورده می‌سازد،
  - ایجاد درآمدهای بیشتر با توسعه مهارت‌ها و آموزش و یادگیری مادام‌العمر برای نیروی کار در هر سطح و سنی بالاخص در فعالیت‌های ITC،
  - فراهم ساختن محیط و نظام نوآوری که فعالیت‌های تحقیق و توسعه با کیفیت بالا و تجاری‌سازی آن را تشویق نماید،
  - برنامه‌های پالایش و اجرایی که مشوق توسعه فرهنگ قوی اخلاقی باشد،
  - تقویت و حمایت جوانان و زنان جهت مشارکت کامل در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور بهبود و تداوم استاندارد کیفیت زندگی.
- کیفیت زندگی بدون تلاش‌های قابل ملاحظه در مدیریت خردمندانه‌تر منابع پایدار نخواهد ماند؛ بالاخص در شرایطی که اقتصاد با قیمت‌های فزاینده انرژی روبرو است کیفیت زندگی در صورت عدم مدیریت صحیح منابع آسیب‌پذیرتر خواهد بود. کیفیت زندگی مردم همچنین با برآورده شدن نیازهای اساسی، حفظ و برقراری صلح و آرامش،

- امنیت و انسجام نیز در ارتباط است. پرداختن به موارد فوق مستلزم موارد زیر است:
- تضمین محافظت بهتر از محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی،
  - افزایش کفایت و بهره‌وری انرژی از جمله تنوع‌بخشی منابع آن،
  - افزایش بهره‌وری در ارائه خدمات آب،
  - فراهم‌سازی خدمات حمل‌ونقل عمومی مناسب جهت کاهش حجم ترافیک و مصرف سوخت،
  - بهبود دسترسی و کیفیت بهداشت و درمان و مسکن ارزان‌قیمت،
  - تضمین ایمنی عمومی و امنیت،
  - افزایش توسعه و ترویج فرهنگ مالزی، هنر و میراث فرهنگی،
  - اصلاح نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی پایدار به‌طور اثربخش و سودمند.
- جهت رفع نابرابری‌ها اقدامات و تلاش‌ها باید بر دستیابی گروه هدف به فرصت‌های کافی و ایجاد ظرفیت برای فعالیت آنها متمرکز شوند؛ از جمله این اقدامات عبارتند از:
- ریشه‌کن ساختن فقر شدید تا سال ۲۰۱۰ در کنار کاهش فقر عمومی،
  - کاهش نابرابری بین مردم شهرها و روستاها و در میان ایالت‌ها و مناطق از طریق ایجاد راه‌های درآمد پایدار و بهبود دسترسی آنها به نیازهای اساسی مانند مسکن، آموزش، بهداشت، خدمات عمومی و حمل‌ونقل،
  - توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته از طریق ایجاد مراکز رشد منطقه‌ای،
  - پر کردن شکاف دیجیتال،
  - پرداختن به نابرابری‌های درون و بین‌قومی، بالاخص از طریق افزایش درآمدها



از راه ارتقای مهارت‌ها و توانایی‌ها،

- ارتقای فرصت‌های برابر برای اشتغال در جهت کاهش نابرابری‌ها در تفاوت شغل و درآمد و همچنین افزایش ادغام در میان گروه‌های قومی،
- ایجاد نسل جدید کارآفرینان و بنگاه‌های رقابتی،
- بازیابی سیاست‌ها و برنامه‌های گذشته جهت ارزیابی اثربخشی و آثار آنها و تمرکز بر سیاست‌ها و برنامه‌های آتی براساس شایستگی و نیاز،
- ارتقای ظرفیت نهادی و اجرایی کشور، استقرار نظام نظارت و اجرایی مؤثر.
- دستیابی به اهداف چشم‌انداز ملی منوط به کارکرد خوب دستگاه‌های اجرایی کشور است. این دستگاه‌ها باید از طریق تقویت شوند:
- بهبود ارائه خدمات دولتی از طریق تقویت مدیریت، تسهیل فرآیندهای اداری و ارزیابی عملکرد،
- بهبود استفاده و هزینه اثربخشی بودجه عمومی از طریق حفظ احتیاط مالی و بهبود نظارت بر اجرا،
- مقابله با فساد واقعی و مشاهده شده در بخش‌های دولتی و خصوصی،
- ارتقای حاکمیت شرکتی و ارائه خدمات بخش خصوصی از طریق بهبود چارچوب نظارتی و قانونی،
- تقویت نقش مجلس، رسانه‌ها و جامعه مدنی.

## جمع‌بندی

موفقیت کشور مالزی در دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و توسعه شتابان مرهون اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای مناسب، مدیریت صحیح اقتصاد، تقویت و ارتقای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، منابع انسانی در حال توسعه و فراهم ساختن زیرساختارهای فیزیکی و نهادی مناسب است. این موفقیت‌ها نتیجه یک نوع سیاست و برنامه اقتصادی خاص نیست، بلکه در شرایط و زمان‌های مختلف سیاست‌های مختلف و متناسبی اتخاذ شده است. در فرآیند تعدیل ساختاری اقتصاد مالزی دولت با تقویت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ملی و اعمال سیاست‌های مالی مناسب نقش پیش‌رو ایفا کرده است، البته نقش برنامه‌ریزان توسعه نیز در این فرآیند بسیار پررنگ بوده است. در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای سعی شده است تمام ذینفعان لحاظ شود و به این اعتبار از منافع توسعه نیز همه آحاد جامعه منتفع می‌شوند.

مهمترین عوامل موفقیت مالزی در دستیابی به سطوح بالای رشد و توسعه اقتصادی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- اتخاذ سیاست‌های اقتصادی با محوریت بازار؛ به نحوی که به نیروهای بازار در رسیدن به یک روش تخصیص مناسب منابع حداکثر آزادی داده می‌شود،
- انعطاف‌پذیری و سرعت عمل نسبت به نیازهای توسعه‌ای و ایجاد زمینه‌های رقابت در بخش‌های مختلف اقتصادی،
- نظارت و ارزیابی مستمر بر اجرای برنامه‌های توسعه‌ای طراحی شده و در این کشور نه تنها بر برنامه‌ریزی مناسب و خوب تأکید می‌شود، بلکه اجرای صحیح آن نیز دنبال می‌شود،



- تأکید بر بخش خصوصی به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی،
- تأکید بر تنوع بخشی بر اقتصاد و صنعتی شدن،
- قرار گرفتن در یک شبکه اقتصادی منطقه‌ای فعال و پویا،
- اتخاذ استراتژی سرمایه‌گذاری مناسب از طریق تشویق سرمایه‌گذاری‌های داخلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی،
- مشارکت همه‌جانبه مردمی در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه. اقوام مختلف مردم با نژادهای مختلف در مالزی زندگی می‌کنند ولی در جهت توسعه و پیشبرد برنامه‌ها همه دست در دست هم برای آبادانی کشور می‌کوشند و در این راه از هیچ کمکی دریغ نمی‌ورزند،
- سیاست‌زدایی اقتصاد و به‌کارگیری سیاست مناسب اقتصادی، افزایش کیفیت مداخله و کاهش کمیت مداخله.

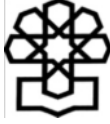
در مجموع درس‌هایی که از تجربه برنامه‌ریزی توسعه در مالزی می‌توان آموخت به شرح زیر است:

- در ترسیم جهت‌گیری‌های آینده اقتصاد کشور دولت نقش اساسی دارد، اما با این حال نباید در فعالیت‌های اقتصادی وارد شده و بخش خصوصی را از میدان به در کند، بلکه تمرکز دولت باید بر ایجاد چارچوب‌های سیاست‌های کلان اقتصادی و فراهم‌سازی و تقویت سطوح بالای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و هدایت آنها به فعالیت‌های با ارزش‌افزوده بالا، تأمین زیرساختارهای مناسب فیزیکی و اجتماعی، بسط و گسترش بازارهای بین‌المللی جهت توسعه صادرات و تدارک برنامه‌های رفاه اجتماعی برای گروه‌هایی باشد که ممکن است در فرآیند توسعه دچار زیان رفاهی شوند.
- رشد باید با برابری همراه باشد؛ بالاخص این امر برای ثبات اجتماعی و سیاسی مهم است.

- ریشه‌کن ساختن فقر از طریق فراهم‌سازی امکان دستیابی آحاد جامعه به فرصت‌های درآمدی و وارد ساختن بخش خصوصی در فرآیند رشد اقتصادی نقش محتاطانه، انعطاف‌پذیر و عملگرایانه دولت در فرآیند رشد و توسعه بسیار مهم است. سرعت تنظیم سیاست‌های اقتصادی در پاسخ به علائم بازار بسیار حیاتی است.
- فراهم ساختن فضای کسب‌وکار مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، کارآفرینی و نوآوری خیلی مهم است.

### منابع و مآخذ

۱. حسین‌زاده یزدی، محمدعلی (بی‌تا)، «تحول و توسعه در مالزی»، نمایه شده در: [www.hoseinzade.com](http://www.hoseinzade.com)
۲. دفتر بررسی‌های اقتصادی، «تجربه برنامه‌ریزی در مالزی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۱۴۰۴۲۱۵، ۱۳۷۷.
۳. فقیه‌نصیری، مرجان و همکاران، «برنامه‌ریزی توسعه، مبانی مفاهیم و مطالعه تطبیقی کشورهای منتخب و ایران»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۷.
۴. شعبانی، مهسا، «درباره قانون برنامه توسعه مالزی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش شماره ۹۶۷۲، ۱۳۸۸.
5. Aslam, Mohamed and Asan Ali Golam Hassan (2003), "development planning and regional imbalances in Malaysia", FEA Working Paper No. 2003-2005.
6. Economic Planning Unit, "Development planning in Malaysia", 2004.
7. <http://www.pmo.gov.my/dokumenattached/Dasar/NationalMission>.
8. Husin, R. "Malaysian Economic Development with emphasis on Public – Private Collaboration", Word Bank PSD Conference, 2006.
9. Ismail Salleh, "Economic Reform: Malaysia's Experience", In Dynamic Development and Economic Reform in Southeast Asia. Institute of Strategic and International Malaysia, 1993.



شماره مسلسل: ۱۲۵۲۶

مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی در ایران (۴) برنامه‌ریزی  
توسعه در مالزی

نام دفتر: مطالعات برنامه و بودجه (گروه برنامه)

تهیه و تدوین: اسماعیل صفرزاده

همکار: توحید آتش‌بار

ناظران علمی: محمد قاسمی، حسن سبحانی

مقتضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. برنامه

۲. برنامه‌ریزی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۵/۲۸